



استراتژی پرهیز از

بحران بیکاری در دهه

(۸۷-۱۳۷۷)

تهیه کننده: سید حسن هفده تن

قسمت دوم

برنامه‌های ارزشمند دیگر را نیز به مخاطره انداخته و با ایجاد انحراف در پارامترهای مورد انتظار، دولت‌مردان کشور را در رسیدن به اهداف برنامه‌ریزی شده عاجز و کشور را عملاً فلج خواهد نمود. بدون تردید طراحی استراتژی پرهیز از بحران بیکاری در دهه ۸۷-۱۳۷۷ و در دستور کار قرار دادن آن به‌عنوان شالوده و محور سایر برنامه‌ها داربست مستحکم و قابل اطمینانی در زیر پای معماران این مرز و بوم برای ساختن قله‌های رفیع تمدن اسلامی خواهد بود و کشور را از مواجه شدن با بحرانهای احتمالی تناوبی مصون خواهد داشت.

با نگرشی به جدول شماره (۲) مشاهده می‌گردد که تا پایان سال ۱۳۷۶ جمعیت بیکار میهن اسلامی به ۱۳۷۶۰۰۰ نفر بالغ گردیده است، از طرفی جمعیت کشور در طول پریود زمانی ۷۰-۱۳۳۵ حدوداً سه برابر گردیده است که اوج رشد نرخ آن طی دوره ۶۵-۱۳۵۵ و معادل ۳/۹ درصد می‌باشد که این رشد فزاینده و سریع باعث ظهور یک ساختار جوان جمعیتی در کشور گردیده است که تبعات منفی و حائز اهمیت آن در دو بعد، یکی رشد عرضه نیروی کار و دیگری افزایش رشد جمعیت مجدد در سالهای بعد از ۱۳۷۵ که متولدین ۶۵-۱۳۵۵ به سن ازدواج و باروری می‌رسند حداقل تا دو دهه قابل لمس خواهد بود که در صورت عدم التفات و توجه کارشناسانه به پدیده مورد بحث در چارچوب یک برنامه‌ریزی مدون همه‌سویگر و حرکت در یک بستر جمعیتی قابل اطمینان، ظرف دهه آتی جمعیت بیکار ایران اسلامی احتمالاً به بیش از ۵ میلیون نفر بالغ خواهد گردید که علاوه بر آسیب‌پذیر نمودن سیستم اقتصادی کشور و دامن زدن به فقر همگانی، اجرای

به‌منظور طراحی یک شبکه بالنده

برای اشتغال کشور و جلوگیری از بحران بیکاری در دهه آتی باید نرخ رشد اشتغال کشور با نرخ رشد عرضه نیروی کار به نقطه تعادل برسد.

نرخ رشد اشتغال کشور

با نگاهی به جدول (۶)، تصویر اشتغال

کشور طی برنامه دوم، ملاحظه می‌گردد که در طول پریود (۷۸-۱۳۷۳) کشور جمهوری اسلامی در بخشهای مختلف اقتصادی به‌طور متوسط از نرخ رشد اشتغال معادل ۲/۸ درصد برخوردار بوده است. نرخ رشد اشتغال تابع متغیر تولید ناخالص داخلی هر کشور است: یعنی هر چقدر تولید ناخالص داخلی (GDP) رشد کند، نرخ اشتغال نیز به تبع آن به میزان معینی رشد خواهد داشت که پیدا کردن این نسبت و ضریب رشد حائز اهمیت و برای محاسبات بعدی مورد نیاز خواهد بود.

برای پیدا کردن ضریب K با نگاهی به جدول شماره (۷) مربوط به تصویر تولید ناخالص داخلی کشور در طول سالهای (۷۸-۱۳۷۳) تهیه‌شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی مشخص می‌گردد که نرخ

رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) R در طول پریود یادشده تقریباً معادل ۵/۱ درصد بوده است:

$$GDP(R) = 5/1\%$$

یا به عبارت ساده تر:

۵/۱ نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشور (۸-۱۳۷۳)

۲/۸ نرخ رشد اشتغال کشور در همان دوره (۸-۱۳۷۳)

$$= \frac{1}{X} \Rightarrow X = 0/5\%$$

نیروی کار = شاغلین + جویندگان کار

مفهوم دو رابطه ساده فوق این است که در جمهوری اسلامی به ازای هر یک درصد نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، رشد اشتغال کشور از نرخ معادل ۰/۵ درصد برخوردار بوده است.

محاسبه نرخ رشد عرضه نیروی کار

اگرچه ساده ترین تعریف برای نیروی کار عبارت از است:

نیروی کار = شاغلین + جویندگان کار

اما مرکز آمار اروپا تعریف دقیقتری از این

فرمول به شرح زیر ارائه می کند:

افرادی که از کار فعلی ناراضی و دنبال کار

مورد علاقه می گردند + افرادی که برای بار

اول دنبال کار می گردند

● بدون تردید طراحی

استراتژی پرهیز از بحران بیکاری

در دهه ۸۷ - ۱۳۷۷ و در

دستور کار قرار دادن آن

به عنوان شالوده و محور سایر

برنامه ها داربست مستحکم و قابل

اطمینانی در زیر پای معماران این

مرز و بوم برای ساختن قله های

رفیع تمدن اسلامی خواهد بود و

کشور را از مواجه شدن با

بحرانهای احتمالی تناوبی مصون

خواهد داشت.

تصویر عرضه نیروی کار ایران با استفاده

از آمار استخراج شده از منابع مرکز آمار

جمهوری اسلامی ایران تا پایان سال ۷۸

به شرح جدول شماره (۸) پیش بینی و نرخ

رشد عرضه نیروی کار در طول پریود ۷۸ -

۱۳۷۳ تقریباً معادل ۳/۷ درصد پیش بینی و

محاسبه گردیده است که نرخ عرضه نیروی

کار با همین روند به طور میانگین تا پایان

سال ۸۷ ادامه خواهد یافت و در محاسبات

با اضافه نمودن ۰/۲ درصد به عنوان ضریب

اطمینان فرصتهای شغلی مورد انتظار به نرخ

یادشده عمل گردیده است.

اکنون با مقایسه جدولهای شماره (۶) و

(۸) متوجه می شویم که نرخ رشد اشتغال

کشور (۲/۸ درصد) نسبت به نرخ رشد

عرضه نیروی کار طی دهه ۸۷ - ۷۷ دارای

تأخیر مرحله قابل توجهی خواهد بود.

= نرخ رشد اشتغال - نرخ عرضه نیروی کار

$$1/1\% = 2/8\% - 1/7\%$$

(جدول شماره ۶): تصویر اشتغال در بخشهای مختلف اقتصادی طی برنامه دوم (به هزار نفر)

شرح	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۸	نرخ رشد	جمع
کشاورزی	۳۲۰۵	۳۲۵۱	۳۲۹۷	۳۳۳۹	۳۵۵۲	۱/۲	۲۱۳
صنعت	۳۴۸۷	۳۶۳۱	۲۷۸۱	۳۹۳۰	۴۷۶۸	۳/۸	۸۳۸
آب و برق و گاز	۱۲۹	۱۳۶	۱۴۳	۱۵۱	۱۹۵	۵/۲	۲۴۱
حمل و نقل و ارتباطات	۷۶۲	۷۹۹	۸۳۹	۸۷۹	۱۱۰۸	۲/۷	۱۲۹
سایر خدمات	۵۵۲۳	۵۶۴۶	۵۷۸۲	۵۹۱۴	۶۶۰۱	۲/۲	۶/۵
جمع	۱۳۰۹۶	۱۳۶۶۳	۱۳۸۴۵	۱۴۲۱۲	۱۶۲۳۲	۲/۸	۲۰۱۱

(جدول شماره ۷): تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده بخشها طی برنامه دوم)

(میلیارد ریال ثابت سال ۶۱)

شرح	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۸	نرخ رشد ۱۳۷۳-۷۸
کشاورزی	۳۱۲۰/۲	۳۳۵۱/۶	۳۵۳۵/۷	۳۶۸۶/۸	۲۵۴۴/۹	-۲/۳
نفت	۲۵۱۶/۷	۲۵۵۳/۵	۲۶۲۵/۳	۲۶۸۶/۶	۲۹۰۳/۰	-۱/۶
صنعت و معدن	۲۰۰۸/۷	۲۰۷۲/۶	۲۰۹۹/۲	۲۲۲۲/۲	۲۹۵۴/۰	۵/۹
آب و برق و گاز	۲۸۵/۰	۳۰۱/۱	۳۳۹/۲	۳۶۶/۲	۵۳۷/۴	۸/۰
ساختمان	۵۰۸/۳	۵۲۸/۵	۵۶۱/۷	۵۸۲/۲	۷۱۱/۱	۲/۰
حمل و نقل	۸۵۰/۸	۹۵۶/۲	۱۰۳۰/۱	۱۰۷۸/۸	۱۲۵۹/۲	۲/۷
ارتباطات	۵۶/۶	۶۲/۳	۶۷/۲	۷۱/۷	۹۹/۷	۶/۸
سایر خدمات	۲۰۳۸/۵	۲۳۲۵/۰	۲۶۲۶/۲	۲۷۶۸/۶	۵۲۲۹/۲	۲/۶
کل خدمات	۲۹۴۵/۹	۵۳۲۳/۵	۵۷۲۳/۷	۵۹۱۹/۱	۶۸۸۸/۲	۳/۱
جمع ارزش افزوده ها	۱۳۳۸۲/۸	۱۲۱۸۰/۸	۱۲۹۲۴/۷	۱۵۴۶۵/۱	۱۸۵۳۸/۶	۳/۷
رابطه مبادله بازرگانی	۱۲۳۹/۳	۱۵۷۱/۷	۱۶۷۱/۲	۱۵۲۱/۲	۷۱۷/۵	
کارمزد احتسابی	۱۲۰/۷	۱۲۱/۳	۱۵۲/۵	۱۵۷/۶	۱۸۵/۸	۳/۳
تولید ناخالص داخلی	۱۱۸۲۴/۸	۱۲۲۷۷/۸	۱۳۱۰۱/۰	۱۳۷۶۶/۳	۱۷۶۳۵/۳	۵/۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ریال جامعه علوم انسانی



بتوان ضرورتاً به منظور جلوگیری از افزایش بحران بیکاری رشد تولید ناخالص داخلی کشور را از نرخ فعلی (۵/۱ درصد) به نرخ مورد انتظار (۷/۸ درصد) افزایش داد. تحلیل استقرایی قضیه نیز ما را از این نتیجه هشداردهنده آگاه می‌سازد که یک درصد افزایش در نرخ بیکاری حداقل ۲ درصد کاهش تولید ناخالص داخلی را به دنبال خواهد داشت که با تبعیت از این کاهش، درآمد سرانه ملی نیز کاهش یافته و نتیجتاً شاخص فقر عمومی در جامعه بالا خواهد رفت.

از جدول شماره (۶) مستفاد می‌شود که متوسط ایجاد اشتغال سالانه کشور در طول برنامه ۵ ساله دوم دولت ۴۰۰۰۰۰ نفر در سال بوده است.

چنانچه از سال ۱۳۷۶ به بعد بتوانیم رشد تولید ناخالص داخلی را به ۷/۸ درصد برسانیم، با ایجاد ۵۶۰۰۰۰۰ فرصت شغلی به طور میانگین سالانه می‌توانیم مشروط به

● اگر بخواهیم عرضه نیروی کار و اشتغال کشور را در پایان دوره به نقطه تعادل و سر به سر برسانیم، باید با یک برنامه‌ریزی دقیق اقتصادی و با هدف اشتغالی نرخ رشد اشتغال کشور را حداقل ۱/۱ درصد افزایش داده و آن را از نرخ ۲/۸ درصد فعلی به نرخ ۳/۹ درصد مورد انتظار افزایش دهیم.

$$\frac{۱\% \text{ رشد نرخ تولید ناخالص داخلی}}{۰/۵\% \text{ رشد نرخ اشتغال را به دنبال دارد}} = \frac{X}{\text{نرخ رشد اشتغال مورد انتظار } ۳/۹\%}$$

$$X = \frac{۰/۵\%}{۳/۹\% \times ۱\%} = ۷/۸\%$$

$$\text{نرخ رشد تولید مورد انتظار GDP} = ۷/۸\%$$

بنابراین برای اینکه بتوانیم به نرخ رشد اشتغال ۳/۹ درصد رسیده و در دوره ده ساله آتی پاسخگوی رشد عرضه نیروی کار ۳/۹ درصد کشور باشیم، جهت‌گیری برنامه‌های اقتصادی، جمعیتی، فرهنگی و سیاسی باید به گونه‌ای تنظیم و اجرا شود تا

با محاسباتی که با استفاده از آمار و ارقام جدول شماره (۷) انجام شد، به این نتیجه رسیدیم که اولاً برای افزایش نرخ رشد اشتغال باید در جستجوی راهکارهای تکنیکی برای افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشور باشیم. ثانیاً با انجام محاسبه به این نتیجه رسیدیم که در جمهوری اسلامی به ازای هر یک درصد رشد نرخ تولید ناخالص داخلی (GDP)، نرخ اشتغال کشور معادل ۰/۵ درصد رشد می‌کند. اکنون با یک محاسبه ساده دیگر نرخ تولید ناخالص داخلی مورد نیاز را پیدا می‌کنیم:



جدول شماره ۸ تصویر عرضه نیروی کار کشور در دوره زمانی ۷۸ - ۱۳۷۳

(به هزار نفر)

سال	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	رشد
عرضه نیروی کار	۱۵۰۸۹	۱۵۶۴۸	۱۶۲۰۶	۱۶۷۶۴	۱۷۳۲۲	۱۷۹۱۹	۳/۷

جدول شماره (۹) نسبت توزیع بخشهای سه گانه اقتصادی به درصد

شرح	۱۳۵۵	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۸
کشاورزی	۳۴	۲۴/۵	۲۳/۸	۲۳/۸	۲۶/۴	۲۱/۹
صنعت	۳۴/۲	۲۷/۶	۲۶/۶	۲۷/۳	۳۰/۲	۲۹/۴
خدمات	۳۱/۸	۴۷/۹	۴۹/۶	۴۸/۹	۴۳/۴	۴۸/۷

نموده و یا بعضاً معاف گشته و توانسته است با سرمایه گذاری کمتر در مدت زمان کوتاهتر در مقایسه با بخشهای تولیدی به سودهای بادآورده و کلانی دست یابد؛ بدین لحاظ گسترش بیش از حد خدمات مقرون به صلاح نبوده و می باید با گسترش بخش صنایع کوچک و صنایع کشاورزی و تبدیلی مدل بهینه ای را برای تغییر میان بخشی شاغلان بخشهای مختلف اقتصادی در راستای کاهش نسبت خدمات و افزایش نسبت شاغلان بخش صنعت ارائه نمود. بر اساس پیش بینیهایی که عمل آمده در طول برنامه دوم توسعه اقتصادی، نسبت توزیع شاغلان میان بخشی تغییر چندانی نکرده است و کاهش ناچیزی در نسبت شاغلان بخش کشاورزی از ۲۶/۴ به ۲۱/۹ درصد و بخش صنعت از ۳۰/۲ به ۲۹/۴ درصد به وجود آمده است.

● چنانچه از سال ۱۳۷۶ به بعد بتوانیم رشد تولید ناخالص داخلی را به ۷/۸ درصد برسانیم، با ایجاد ۵۶۰۰۰۰ فرصت شغلی به طور میانگین سالانه می توانیم مشروط به اجرای زنجیره های متمم طرح استراتژی پرهیز از بحران در مقابل رشد ۳/۹ درصدی عرضه نیروی کار به تعادل رسیده و تأخیر مرحله ای نداشته باشیم.

معکوس نمود. نکته دوم، رشد صعودی شاغلان بخش خدمات است که از ۳۱/۸ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۴۳/۴ درصد در سال ۷۳ رسیده و پیش بینی می گردد تا پایان سال ۷۸ به ۴۸/۷ درصد برسد. علت گسترش بخش خدمات این است که این بخش به دلیل عدم شفافیت فرآیند فعالیتش از پارامترهای محدودکننده قوانین فرار

اجرای زنجیره های متمم طرح استراتژی پرهیز از بحران که در مباحث بعدی بدانها خواهیم پرداخت در مقابل رشد ۳/۹ درصدی عرضه نیروی کار به تعادل رسیده و تأخیر مرحله ای نداشته باشیم.

با نگاهی به جدول شماره (۹) دو نکته مهم و قابل دقت وجود دارد: اول اینکه نسبت شاغلان بخش کشاورزی از ۳۴ درصد در سال ۱۳۵۵ روند نزولی داشته و پیش بینی می گردد که تا پایان سال ۱۳۷۸ به ۲۲ درصد برسد. اگرچه کاهش نسبت شاغلان ناشی از افزایش بهره وری و تغییر تکنولوژی تولید است، اما از آنجایی که کاهش این نسبت بیانگر مهاجرت تدریجی روستاییان به شهر خواهد بود، شایسته است با ایجاد صنایع کوچک کشاورزی و تبدیلی و روی آوری به صنایع دستی از قبیل قالی بافی، گلیم بافی، گیوه بافی، ابریشم بافی و سایر مشاغل دستی روند این مهاجرت را متوقف و در بلندمدت جهت آن را

چگونگی توزیع ۵۶۰ هزار فرصت شغلی مورد انتظار در بخشهای مختلف اقتصادی از سال ۱۳۷۶ به بعد:

با مشاهده جدول شماره (۱۰) مربوط به فرصتهای شغلی ایجاد شده دوره‌های مختلف، در می‌یابیم که در طول برنامه پنج ساله دوم اقتصادی (۷۸ - ۱۳۷۳) جمعاً ۲۰۲۰ هزار فرصت شغلی پیش‌بینی گردیده است که از رقم مذکور ۲۱۴ هزار در بخش کشاورزی و ۸۸۲ هزار در بخش صنعت و ۹۲۴ هزار فرصت شغلی در بخش خدمات ایجاد گردیده است. با بیانی روشنتر می‌توان

گفت که از مجموع فرصتهای شغلی ایجاد شده، ۱۰/۶ درصد مربوط به بخش کشاورزی و ۴۳/۷ درصد بخش مربوط به بخش صنعت و ۴۵/۷ درصد مربوط به کل خدمات بوده است. اصولاً بخش کشاورزی به منظور افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از امکانات و منابع در دسترس به خصوص آب و زمینی ناچار به استفاده از تکنولوژیهای مدرن و پیشرفته و ماشین‌آلات کشاورزی تمام خودکار است، بدین دلیل در امر اشتغالزایی چندان کشش‌پذیر نیست که این امر روند مهاجرت روستاییان به شهرها را

سرعت بخشیده و منحنی توزیع میان‌بخشی شاغلان بخش کشاورزی را در جهت افزایش شاغلان بخش خدمات که ذاتاً دارای فرایند شفاف تولیدی نبوده و به افزایش تورم و ایجاد اختلال در سیستم اقتصادی کشور دامن زده و شاغلان این بخش را با فرار و معافیت از محدودیتهای قانونی در اندک مدتی بدون تحمل هیچ‌گونه زحمتی در مقایسه با بخشهای تولیدی به ثروتهای بادآورده می‌رساند تغییر جهت می‌دهد که در دراز مدت می‌توان آنرا انحراف از معیارهای اقتصاد اسلامی نامید. ادامه دارد

